



<http://www.arianafghanistan.com>

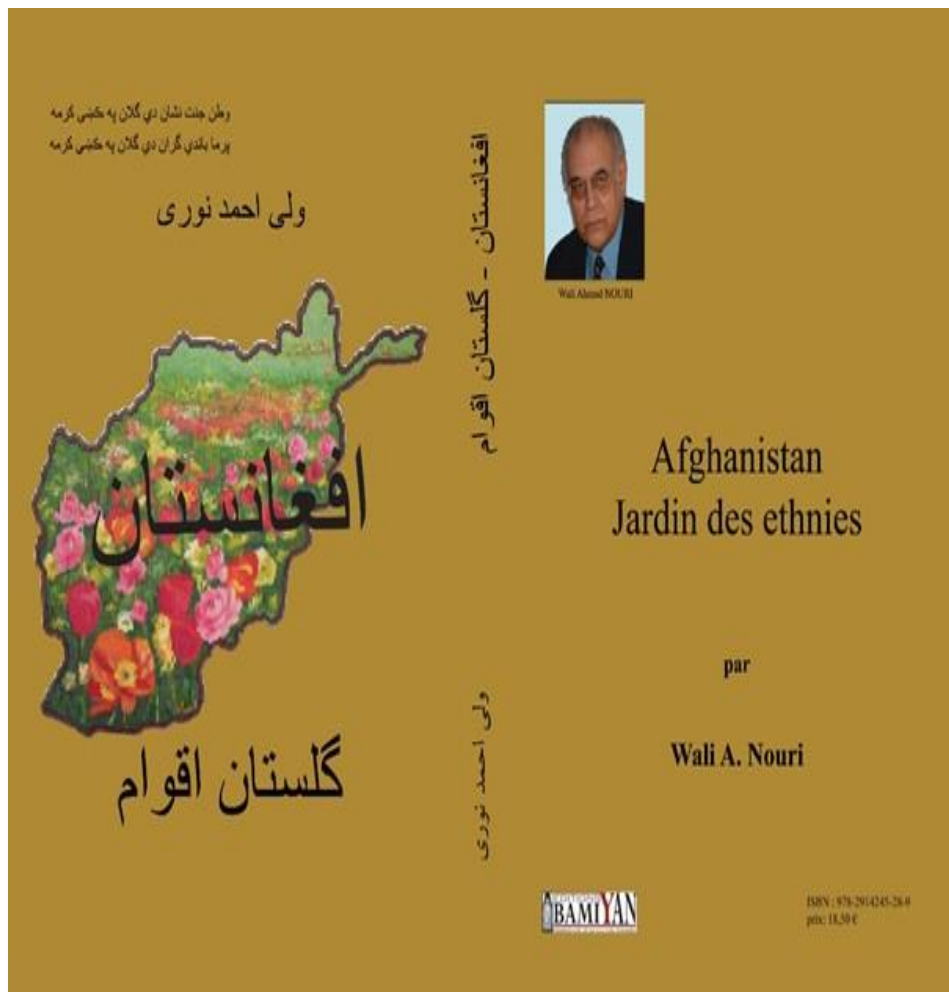


۲۰۱۹/۰۵/۱۹

ولی احمد نوری

افغانستان گلستان اقوام

قسمت پنجاه و پنجم



افغانستان گلستان اقوام



قسمت پنجاه و پنجم

ورود لغات بیمورد

از

محمد اسحق برکت

اکتوبر ۲۰۰۵م

«عجب است اگر لغات زبان های بیگانه، از عربی گرفته تا فرنگی و هندی و پنجابی و غیره را در زبان دری خود قبول کنیم، ولی لغات پښتو را نی!!»

*** * **

از دیر زمان به این طرف، نزاعی بر سر کلمات بیگانه در زبان "دری" برخاسته و گپ تا آنجا کشید که ناقدین همدیگر را سخت کوبیدند. در برخی موارد حتی بعضی ها از این کلمات در بهره برداری های سیاسی خویش استفاده کرده آنرا بحیث حربه موفقیت خویش در انتخابات ریاست جمهوری نیز بکار برده اند.

در مورد این نوع کلمات، از نویسندگان محترم نوشته های زیادی در جراید خوانده ایم و هر کدام نظر و عقیده خود را ابراز داشته است، مگر اخیراً محترم انجنیر خلیل الله معروفی، با وجودی که به گفته خودش، فرصت سر خریدن را ندارند و شش روز هفته متواتر «کله ونگ» کار و وظیفه می باشند، شیر غلته زده، مقاله آموزنده و خواندنی را به رشته تحریر آورده که در شماره های ۶۱ و ۶۲ مجله بافرهنگ "درد دل افغان" اقبال نشر یافته.

اگر این نوشته دقیقاً مطالعه گردد و محتوایش به حافظه سپرده شود، نه اعصاب خود را خراب خواهیم ساخت و نه خاطر دیگران را مکدر.... موصوف علاوه برین مقاله، مقالات زیادی ازین نوع، در عرصه های مختلف زبان شناسی، بدست نشر سپرده و نظرات خود را در رشته زبان، خصوصاً زبان فارسی

مطابق به قواعد و اساسات (زبان شناسی) ابراز داشته، مقالات «جدال بر سر کلمات» و «افغان، افغانی، افغانستانی» شان که در هفته نامه امید به نشر رسیده و با استفاده از نظرات استادان برجسته زبان فارسی برشته تحریر آمده و به خوانندگان محترم عرضه گردیده بود، ممکن از نظر گذشته باشد و بخاطر داریم که برآستی این دو مقاله، جنجال بر انگیزت و سرحدش به تمام نشرات افغانی در اروپا و امریکا و حتی شبکه های جهانی انترنت کشید. ما اینجا ازین مقاله زیبا و طویل، جامع و پرمحتوا چند نقطه مهم آنرا بحیث بهترین رهنمای رفع اختلافات یادآور میشویم و بآن مشت نمونه خروار گفته، اکتفا میکنیم و ان شاءالله اگر در نظر گرفته شود جای نزاع و جنجال باقی نخواهد ماند. باز هم نظرات مختلف است و قابل احترام.

آقای معروفی در مقاله خود از ورود کلمات و لغات بی لزوم که مشابه و مانند آن در زبان دری خود ما بوفرت موجود بوده و در گفتار قدما هم به کثرت استعمال شده و یا قبلاً چیزی کم نیم قرن قبل، خیلی زیبا و مقبول وضع گردیده و در دری ما جا گرفته و اکنون در میان مردم ما مانوس و متداول است، مثال گونه به تفصیل یادآور شده، و به استعمال و ورود این گونه کلمات بی لزوم در فارسی موافقت ندارند که مطلقاً منطقی، درست و بجا می فرمایند. از طرف دیگر بسیاری از مردم هم راضی نیستند که در عوض کلمات دری ما لغات خاص فارسی ایران استعمال گردد.

همچنان جناب معروفی از کلمات و لغاتی با مثال یادآور میشوند که از چانتۀ نویسندگان ناقابل و ناوارد در دستور زبان جدیداً (کاغذ پیچ) در ایران ابداع شده، بد قواره و بد اندام، بدون ریشه و اساس بدنیا آمده ، لازم نیست جانشین کلمات زیبا و مقبول مروج در میان مردم ما گردد، انگشت گذاری مینماید و به این نظر است که این نوع کلمات نه تنها دری ملک ما را غنی نمی سازد بلکه آنرا به ابتذال میکشاند.

درین مقاله آگاهی دهنده و پر معلومات در مورد استعمال کلمه «افغانستانی» بجای "افغان" چنین به تحلیل و استدلال پرداخته : «ساخت و استعمال کلمه "افغانستانی" بجای کلمه "افغان" با دیده تعصب آمیز سیاسی ارتباط میگیرد و هرگز و اصلاً و ابداً منشاء و اساس زیباشناسانه ندارد. بر عکس ساختن کلمه "افغانستانی" از "افغانستان" و بجای "افغان" در حالی که "افغانستان" از واحد "افغان" و پسوند "ستان" ساخته شده، دور از منطق است، وقتی کلمه "گل" را با "ستان" پیوند داده و ترکیب "گلستان" را ساختیم دیگر نمیتوانیم بگوئیم که "گلستان" بدیل و جانشین گل است. اگر اینطور میبود میتوانستیم بگوئیم : "یکدسته گلستانی خریدم" یعنی که یکدسته گل خریدم!»

در مورد اطلاق کلمه "افغان" که از قدیم شکل قانونی بخود گرفته، بعد از تبصره مختصر و با مفهوم، درین مقاله چنین آمده : «بلی ما به هویت ملی، افغان هستیم ولی به هویت قومی، پښتون و تاجیک و هزاره و اوزبیک و ترکمن... و به هویت دینی، مسلمانیم و هندو و یهود و نصارا... و به هویت مذهبی، سنی ، شیعه و به هویت زبانی، دری زبان، پښتو زبان و ترکی زبان... و غیره. همه هویت های جزئی در هویت کلی که هویت ملی ماست، ذوب میشوند و اندماج می یابند.»

مقاله در باره استعمال و ورود کلمات پښتو در زبان دری که از جانب یک حلقه خاص افغانان خارج از کشور، تعلیم یافته و "روشنفکر"، با کلمات خاص ایرانی تعویض میگردند و لجوجانه به استعمال این کلمات اصرار می ورزند، تشریحات مفصل دارد که همه آموزنده بوده، در یک قسمت آن چنین آمده: «وجود کلمات پښتو و هندی و پنجابی را در دری افغانستان، نه به حیث عیب و نقص، بلکه باید به حیث چاشنی و مرچ و مصالحی دانست که این زبان شیرین را مزه دارتر میسازد.» و باز می گوید: «ما افغانها اصلاً هیچ احتیاج و مجبوریتی نداریم که با وارد ساختن اصطلاحات فارسی ایران، نحوه زیبا، اصیل و خاص دری خود را از دست بدهیم.» بالاخره به حیث حسن ختام قسمتی از مقاله "جدال بر سر کلمات" آقای معروفی را که چند سال قبل در جریده "امید" نشر شده بود می آوریم: «... با در نظر داشت این واقعیت که زبان پښتو از قدیم تا امروز هزاران لغت فارسی را در خود هضم کرده و آنها را بدون تعصب بکار میگیرد، ستیزیدن با کلمات پښتو دور از انصاف خواهد بود. عجب است اگر لغات زبان های بیگانه، از عربی گرفته تا فرنگی و هندی و پنجابی و غیره ... را در زبان دری خود تحمل کنیم ولی لغات پښتو را نی!!!» و باز جناب شان چه زیبا میگویند: «بر من چون آئینه روشن شده که کفر تعصب همیشه از کعبه "روشنفکران" بر میخیزد، ورنه توده های مردم، مدام باهم جور می آیند و از تعصب بیگانه اند.» در خاتمه از آقای معروفی خواهش میشود تا سلسله مقالات "از امید به امید" شانرا در هر نشری ای که لازم میدانند از سر گیرند که برای همه بالخصوص برای جوانان و آنائیکه تحصیلات شان را به اتمام نرسانیده و از وطن دور شده اند، خیلی ها مفید و ارزنده میباشد. با تقدیم احترام.

پایان قسمت پنجاه و پنجم



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که قسمتهای قبلی "افغانستان گلستان اقوام" و مطالب دیگر این نویسنده (ولی احمد نوری) را هم مطالعه کنند، با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده، در صفحه مقالات میتوانند به فهرست "آرشیف" وی رهنمائی شوند!

افغانستان گلستان اقوام (قسمت پنجاه و پنجم)

Walinoori_afghanistan_golestaan_aqwaam_°°.pd